از میان خبرها

رئیس اداره حفاظت محیط زیست نهبندان خبر داد

اعتبارات سال ۹۶ برای مقابله با ریزگردها در تالاب کجی نمکزار

فرخ نژاد- در سال جاری اگر اعتباری در قالب حفاظت از تالاب ها به تالاب کجی نمکزار نهبندان اختصاص یابد برای مقابله با ریزگرد در این منطقه هزینه خواهد شد. رئیس اداره حفاظت محیط زیست نهبندان در گفتگو با «خراسان جنوبی» با بیان این که هنوز اعتبارات سال جاری برای تالاب کجی نمکزار نهبندان ابلاغ نشده است گفت: اگر در سرفصل های اعتباری سال ۹۶ اعتباری برای این تالاب اختصاص یابد براساس برنامه ریزی انجام شده به منظور مقابله با ریزگردها هزینه خواهد شد زیرا این منطقه تحت تاثیر بادهای ۱۲۰ روزه سیستان است و زمان وزش این بادها رفت و آمد در این منطقه مشکل است و به زیرساخت ها خسارت وارد می شود.

«شکرگزار» افزود: اگر در سال جاری شاهد جمع شدن آب بیشتری در تالاب بودیم به این سبب بود که از محل اعتبارات سال ۹۴ قسمت زیادی از این تالاب لای روبی شد و اگر این اتفاق نمی افتد نه تنها در حال حاضر بلکه از ابتدای سال جاری دیگر تالاب کجی نمکزار خشک شده بود.

به گفته وی در قالب اعتباراتی که سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۹۴ به تالاب کجی نمکزار نهبندان اختصاص داد لای روبی رودخانه های منتهی به تالاب، بهسازی مسیر برای گردشگران، ایجاد اسکله سنگی و شنی، ایجاد سرویس بهداشتی، پارکینگ و... در این منطقه انجام شد.

وی اعتبار تخصیص یافته در این قالب را ۲۵۰ میلیارد تومان اعلام کرد و ادامه داد: به علاوه از محل این منابع اعتباری محدوده پناهگاه حیات وحش تالاب کجی نمکزار نهبندان با عرصه های طبیعی به وسیله بلوکه های سیمانی مرزبندی شد.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست نهبندان زمان حضور پرندگان مهاجر را به این تالاب آذر و دی ماه هر سال دانست و گفت: پرندگان مهاجر به طور معمول تا اردیبهشت ماه در تالاب می مانند اما در سال جاری این پرندگان مهاجر زودتر به مقصد بازگشتند.

«شکرگزار» افزود: تنها چیزی که ماندگاری حضور پرندگان را در نقطه ای بیشتر می کند امنیت است و گاهی شکارچیان مجاز و غیر مجاز مخل این امنیت می شوند و پرندگان هم تصمیم به ترک یا بازگشت می گیرند. به گفته وی اگر در حال حاضر تالاب فصلی کجی نمکزار نهبندان با وجود بارندگی در ابتدای بهار و زمستان سال قبل آب ندارد به دلیل این است که چاه موتورهای مجاز و غیر مجاز زیادی در منطقه وجود دارد و استفاده زیاد آن هم در فصل گرم سال سبب می شود تا از میزان آب موجود در تالاب کاسته شود.

نقش دستان هنرمند بر دامن تالاب کجی نمکزار نهبندان

آنان که خاک را به هنر کیمیا کنند

رنجبر- هنوز هلال ماه از دیده پنهان نشده اما انگار خمیازه می کشد و بعد از یک شیفت کاری دلش می خواهد برای ساعت ها به خواب عمیقی فرو رود، تنها ستاره ای که سمت چپ جاده در پهنه آسمان می درخشد بارقه امیدی در دل راکبان مرکب های آهنین می شود.

در گرگ و میش هوا به سمت محل برگزاری اولین جشنواره ملی مجسمه های نمکی تالاب کجی نمکزار نهبندان حرکت می کنیم.

• اطلاع رسانی ضعیف برای جشنواره

اگر چه در طول جاده برای محل برگزاری این جشنواره اطلاع رسانی انجام نشده است اما از پاسگاه سهل آباد که عبور کنی به واسطه یک پارچه نوشته به سمت محل جشنواره در حالی راهنمایی می شوی که هوا رفته رفته رو به روشنی می رود.

از وسط روستای سهل آباد که می گذری جاده ای ۱۱ کیلومتری را به سمت تالاب در حالی زیر پا می گذاری که از دور دامن دشتی سفید دیده می شود.

دو طرف جاده ای که با قرار گرفتن در آن متوجه می شوی هموار نیست، بوته های اسپند دامن دشت را سبز پوش کرده است. مسیر خاکی است و با عبور خودروها گرد و خاک جلوی دید را می گیرد.

کمی جلوتر که برسی با گله های کوچک و بزرگ شتر روبه رو می شوی که گاهی اوقات وسط جاده ظاهر می شوند و تو شاید در گرد و غبار ناشی از خاکی بودن جاده آن ها را نبینی و باید گفت در اینجا همیشه حادثه در کمین است.

بوته های طاق و گز روی دامن کویر لم داده اند و چهره طبیعت را آراسته اند، اینجا در دل کویر زیبای نهبندان هر چه بیشتر به سمت تالاب کجی نمکزار پیش می روی شوق دیدن دریایی از آب، میان آن همه خشکی ذهنت را به خود مشغول می کند که چطور ممکن است وسط بیابان تالابی پر از آب وجود داشته باشد.

پیشتر که می روی عبور گله های کوچک و بزرگ گوسفندان خلوت جاده را بر هم می زند، اینجا زندگی جاری است.

به پاسگاه محیط بانی که در فاصله ای نه چندان دور از تالاب قرار دارد می رسی باید مرکب آهنین را همین جا بگذاری و تا محل تالاب در همان جاده خاکی پیاده روی کنی اگر چه برای شرکت کنندگان تا خود تالاب وسیله است اما اجازه ورود وسیله های نقلیه دیگر داده نمی شود.

سیاه چادرها، حضور عشایر، اورژانس و ... نشان می دهد قرار است اتفاقی بزرگ رقم بخورد، قرار است اینجا خاک به هنر کیمیا شود و اگر چه قدرت هنر نمایی بندگان در مقابل هنرمند هستی بی مقدار اما قرار است همه گروه های حاضر که از نقاط مختلف کشور دور هم جمع شده اند نشان دهند می شود از گل مجسمه هایی چشم نواز با معانی و مفاهیمی ساخت که در چشم هر بیننده ای جا خوش کند.

باید گفت نقش بند هستی هنرش را میان کویر به نمایش گذاشته است.

• دامن سفید تالاب

گروه ها با لباس های سفید مخصوص در گوشه و کنار تالاب دیده می شوند اما از آب اثری نیست. جاده را تا اسکله پیش می روی اما تا چشم کار می کند دامن سفید نمکزار را می بینی، انگار تالاب عقب نشینی کرده است و کیسه های بزرگ نمک گوشه و کنار اسکله قرار گرفته اند.

خورشید طلوع می کند و جز گل و لای و نمک اطراف اسکله چیزی نیست. کمی آن طرف تر برکه ای دیده می شود که میزبان پرندگان مهاجر است این برکه بخشی از آب تالاب را در خود جا داده و هنوز هم آثار گلی و دست سازه های سه دوره پیش جشنواره به چشم می خورد.

کمی دورتر از اسکله بوته هایی روییده در شن و نمک نشان می دهد در سال های دور آب تالاب تا همین جا ادامه داشته است.

چلیپا و دیگر پرندگان آبزی مهاجر اطرافت مشغول شنا هستند بی آنکه هراسی از شکار شدن داشته باشند. دقایقی بعد صدای زنگوله گوسفندان در گوش می پیچد و آن طرف تر این برکه در انبوه تصویری سبز و یک رنگ مانند نقطه های سفیدی خودنمایی می کند.

در میان گروه های شرکت کننده شاید عده ای هم از نحوه برگزاری جشنواره و اطلاع رسانی ضعیف در شهر و رفت و آمد با اتوبوس های فرسوده گلایه مند باشند اما با این حال کار شروع می شود و وجود با گل و لای که در سه لایه رنگ سیاه، زرد و قرمز دیده می شود عجین می شود.

اما سفیدی نمکزار چشم و دلت را آزار می دهد و به دنبال دریایی از آب بعد از مهمانی باران به دل زمین هستی اما...

• مجسمه سازان محلی

برخی از محلی ها از کوچک و بزرگ هم برای شرکت در جشنواره حضور دارند. آنها هم جنس همین طبیعت هستند، کسانی که تمام عمر در اینجا با طبیعت کویر رشد کرده اند و آن را مانند کف دست می شناسند. زمزمه هایشان از وجود آب تا محل اسکله در روز قبل به گوش می رسد و علتش را وزش باد می دانند که گاهی اوقات آب را به انتهای دید گاهت در شفق تالاب به عقب می راند و گاهی هم به شدت به سمت اسکله هدایت می شود.

دست ها و ذهن های خلاق هنرمندان به فعالیت خود ادامه می دهد و گل ها با اندک ورز دادنی شکل می گیرد. ساعت اول فقط تپه هایی از گل می بینی که هیچ تصویری را نمی توانی بر آن مجسم کنی اما هر چه زمان می گذرد بخشی از کار، حجم سازی می شود. تلاش هنرمندان برای از دست ندادن زمان با تقسیم کار بین دستیاران زیباست. یکی سطل گل می آورد و دیگری گل را ورز می دهد آن یکی چوب و استخوان شتر جمع می کند.

اما این حضور نباید آرامش پرندگان زیبای مهاجر را بر هم بزند، باید آرام آرام قدم به داخل آب بگذاری تا مزاحم آواز خواندنشان نشوی زیرا آنها پر و بال در آب می شویند و بین نیزارها و بوته های سبز شنا می کنند.

گاهی اوقات آواز پرنده ای گوش نواز می شود و لحظاتی بعد صدای جیر جیرک ها به گوش می رسد، گل تالاب در دستان هنرمند هنرمندان فرم گرفته و مجسمه ها جان می گیرند.

• نمایشگاه در دل طبیعت

آرام آرام نمایشگاهی تدارک می بینند و مردم از نقاط مختلف استان برای بازدید می آیند تعبیر هر کسی از مجسمه ها متفاوت است و هر مجسمه مانند گلی بر دامن سپید تالاب می درخشد.

دل تالاب در غروب آفتاب می گیرد، هنوز هم انگار دهانش برای بارش باران باز است تا دوباره دریایی از آب مقابل دیدگان هر گردشگری به نمایش گذاشته شود.

رد پای شرکت کنندگان در جشنواره نقش و نگاری بس عجیب به دامنی سپید زده است، رد پایی که شاید با وزش باد و هدایت آب از بین برود اما بی گمان هر اثر و هر مجسمه خاطره ای خواهد ساخت در ذهن بیننده.

رو به فلق که نگاه کنی بر دامن سفید تالاب کجی نمکزار نهبندان نور رو به افول می رود و خورشید میل به پنهان شدن تا نقطه انتهایی سفیدی تالاب دارد.

تالاب کجی نمکزار نهبندان دو روز میزبان ۱۱ گروه می شود تا با خاطره ای خوش در آخرین لحظات روز دوم به بدرقه شان بنشیند و هدیه مهمانانش را که از عمق وجود خودش برداشت کرده اند در خود جای دهد.

دفتر سپید تالاب نقوش جدیدی از دستان هنرمندان دریافت کرده است و تا دومین جشنواره منتظر مهمانانش می ماند و امیدوار است دفعه بعد تا محل اسکله بستری پر آب در مقابل دیدگانشان به نمایش بگذارد.

«ژرف» ناشناخته

فرخ نژاد- موسیقی نسیم ملایم که در گوش دره «ژرف» می پیچید برگ های درختان گردو نیز همراه با این نسیم ملایم به رقص در می آیند. نسیم، آب پشت سد «ژرف» را قلقلک می دهد تا موج های کوچکی پشت دیواره سد ایجاد شود و زیبایی این سد ناشناخته را همانند نام آن ژرف، زیبا و لذت بخش کند.

خنکای نسیم دره های منتهی به سپر سنگی شهر بیرجند را در بهار سال جاری بهتر از سال های قبل می توان حس کرد زیرا به برکت باران های زمستان سال قبل و ابتدای بهار هر آنچه ریشه در زمین دارد زنده تر از بهار سال های قبل است.

این سرزندگی را با روییدن گیاهان کوهی و سرسبزی بیشتر درختان و بیرون ریختن آنچه تا کنون بر دل زمین سنگینی می کرده است می توان به چشم دید و حس کرد. شاید ناشناخته بودن سد «ژرف» ۳۶ ساله سبب شده تا در روزهای تعطیل همانند بند دره، بند امیر شاه، آبشار چهارده و دیگر ارتفاعات باقران و با وجود فاصله کم تا شهر بیرجند که به ۵ کیلومتر هم نمی رسد چندان شلوغ نباشد و طبیعت دوستان، گردشگران و شهروندان بیرجندی کمتری از فضای بکر و زیبای این نقطه که در بالادست روستای چهکند قرار دارد بهره ببرند. این سد و زیبایی های پشت آن را آنچه از قرا این بر می آید فقط اهالی روستای چهکند می شناسند زیرا در این سال هایی که ابرهای باران زا کمتر به به مهمانی آسمان خراسان جنوبی می آمدند اگر ذخیره پشت این سد در دامنه کوه باقران نبود شاید دیگر از کشاورزی و اقتصاد در این روستای حاشیه ای و بغل دستی شهر بیرجند هم خبری نبود.

این سد که به گفته یکی از اهالی در این سال هایی که قهر طبیعت رمق از کشاورزی به طور کامل گرفت هیچ گاه امید کشاورزان و روستاییان چهکند را ناامید نکرد و هیچ وقت بدون آب نشد تا زمین های کشاورزی و باغ های این روستا از تشنگی نمیرند و در ختان چهکند که ریشه های تلاش و دست های پینه بسته تلاش گران این روستاست نخشکد. روستاییان چهکند هم همیشه قدردان خدا بوده اند زیرا در این سال خشکی هایی که قهر طبیعت سبب شده تا همه زحمت چند صد ساله کشاورزان و روستاییان به تلی از خاکستر تبدیل شود تا حدودی با نعمت گرانبهایی که پشت دیواره سد ذخیره شده، آنان نگهبان آن چه خودشان و آبا و اجدادشان به ثمر رسانده اند هستند. نقطه ای که ۳۶ سال است دیواری جلوی آن کشیده شده آن طور که یکی از ساکنان چهکند می گوید: در ابتدای دهه ۶۰ جهاد سازندگی جلوی آب را سد کرد تا آب کشاورزی چهکند را تامین کند.

به گفته «احمد ملکیان» اگر سد «ژرف» نبود تمام کشاورزی چهکند از بین می رفت. نکته جالب در مورد سد ژرف این است که با وجود امتداد خشکسالی ها این سد تا کنون خشک نشده و بی آبی به خودش ندیده است، دلیل آن هم این است که در دامنه کوه های باقران قرار گرفته و عمق آب هم زیاد است.

گلایه این سکنه چهکند از این است که چون اطلاع رسانی ها و تبلیغات لازم در مورد سد ژرف از سوی متولیان امر انجام نشده ۹۰ درصد مردم شهر بیرجند از وجود این سد بی خبرند. به گفته «ملکیان» این نقطه، مستعد تبدیل شدن به یک منطقه گردشگری را دارد زیرا فاصله آن تا مرکز استان به ۵ کیلومتر هم نمی رسد. بعلاوه بر خلاف دیگر سدها، بندها و آبشارهایی که در دامنه ارتفاعات باقران قرار گرفته است و آب جمع شده و یا جاری شده در آن به نیمه سال هم نمی کشد، پشت این سد همیشه آب وجود دارد و تا کنون خشک نشده است. او به یاد ندارد که سد ژرف مانند بند دره تلفاتی داشته باشد هر چند که همانند نام آن عمیق و ژرف است. اما آن طور که این سکنه چهکند مطلع است رودخانه ای که حامل آب های جاری شده از ارتفاعات باقران به این سد است دارای دو سرشاخه است که یکی از شاخه ها به سد ژرف و دیگر به دره های این ارتفاعات ختم می شود. علاوه بر این در مسیرهای هر دو سر شاخه این رودخانه ویلا سازی و تمام دره های منتهی به ارتفاعات باقران به خانه دومی هایی برای بومیان و غیر بومیان تبدیل شده است.

همچنین در گذشته و قبل از پایداری خشکسالی ها میوه های سردرختی زیادی در چهکند به عمل می آمده اما اکنون از میوه های سردرختی خبری نیست و محصولاتی مانند عناب، گردو و زرشک هنوز هم وجود دارد. شاید به همین خاطر که دره بالادست سد ژرف هم تا چشم کار می کند پر است از درختان گردویی که هر کدام از آن ها مال یکی از اهالی چهکند قدیم است. بعلاوه در ارتفاعات و دامنه های دره منتهی به سد ژرف هر نوع گونه گیاهی از زیره، بابونه، مستارو... می روید و در سال جاری که نسبت به سال های قبل تا حدودی بهار سال است بیشتر می توان این گونه های گیاهی را دید که در ارتفاعات روییده اند و گاهی هم برخی از افراد ی برای چیدن آن به دامنه های کوه باقران در این منطقه می آیند. موضوع دیگر این که در گذشته اهالی این منطقه از زیروچ، چهکند، دعوت و... همه برای چیدن گیاهان دارویی به ارتفاعات می آمدند اما در سال های اخیر چیدن گونه های گیاهی به دلیل خشکسالی ها و مهاجرت روستاییان به شهرها نسبت به قبل خیلی کمتر شده است. سال های قبل یکی از راه های درآمد روستاییان چیدن گیاهان دارویی ارتفاعات بود اما با امتداد قهر طبیعت این منبع درآمد روستاییان هم از بین رفته است.

هر چه از زیبایی های «ژرف» ناشناخته گفته شود کم است اما وقتی در هنگام عصر و نزدیک غروب مهمان این سد در دامنه های کوه باقران باشی و خورشید هم دیگر در افق این کوه ها در حال غروب باشد باید ارتفاعات هموار و ناهموار مسیر منتهی به سد ژرف را برای بازگشت به همراه تعداد اندکی که آمده اند تا تفرج در یک روز تعطیل را با بهره بردن از این فضای طبیعی و بکر به اتمام برسانند، طی کنی. در این دره ژرف تنها چیزی که با طبیعت پاک همخوانی ندارد بوی دود قلیانی است که برخی نوجوانان در دره زیبای منتهی به سد به راه انداخته اند در حالی که همراه با نسیم ملایمی که در دره می وزد مشام را می آزارد. آخر سر هم ماهی هایی که طبیعت دوستان سیزده بدر در این سد رها کرده اند برای مهمانان دستی تکان می دهند و می گویند دوباره هم سری به آن ها بزنیم اما خواهش شان این است که آرامش آن ها را با پرتاب کردن سنگ در درون سد به هم نریزیم.

رو در رو

زخم های نمک فروش «کجی»

رنجبر- صورتش آفتاب سوخته است و به آرامی با دست های نحیف و کوچکش از کنار اسکله تالاب کجی نمکزار نهبندان نمک ها را جمع می کند و داخل کیسه می ریزد. زخم دست ها و پاهایش در معرض نمک درمانده اش کرده برای همین هر چند لحظه یکبار روی اسکله می ایستد و نمک ها را از ساق پاها و مچ و کف دست هایش می تکاند و دوباره به داخل نمکزار تالاب بر می گردد.

«مهناز» گره روسری اش را محکم تر می کند، کیسه را بالا می کشد و روی اسکله می گذارد و زمانی نمی گذرد که مشتری از راه می رسد اما بر سر پرداخت ۱۵ هزار تومان بابت خرید یک کیسه نمک چانه می زند و در پایان فقط ۸ اسکناس هزار تومانی در دستان دخترک قرار می گیرد.

ناامید می شود و بقیه کیسه ها را روی اسکله رها می کند و به جمع دوستانش که عروسک هایی به شکل شتر می فروشند می پیوندد. او هم چند عروسک با پشم شتر درست کرده است. زیبایی شترها با تزئیناتی که او از روی لباس های کهنه اش برش زده و نگین های رنگارنگ دوچندان می شود.

میان مجسمه ها و هنرمندانی که برای شرکت در اولین جشنواره ملی مجسمه های تالاب کجی نمکزار نهبندان آمده اند قدم می زند.

دمپایی هایش پراز گل شده است. از هنرمندان می خواهد که از او عروسک شتر بخرند و می گوید: هر کدام ۱۰ هزار تومان است.

یکی از عروسک ها را به فروش می رساند و لبخند روی لب هایش نقش می بندد. انگار دنیا را به او داده اند، نگاهی به اطراف می اندازد و دست به کار می شود. او هم مجسمه ای می سازد شاید داورها او را ببینند و جایزه بگیرد. آموختن او را بر این می دارد تا نکاتی در مورد یوز آسیایی کف دستش بنویسد و حفظ کند. «مهناز» امسال باید در کلاس ششم دبستان درس می خواند اما تنگدستی مادر باعث شد تا نتواند همزمان هم او و هم خواهرش را به مدرسه بفرستد و او مشغول نمک فروختن و ساختن عروسک شتر شده و خواهرش در کلاس چهارم ابتدایی مشغول تحصیل است.

نداشتن پول کتاب برای او که دانش آموز ممتازی است و از قافله دوستانش جا مانده در آور است و این تنگدستی تمام زمستان او و خانواده اش را در سیاه چادری که با حرارت چوب گرم می شد ماندگار کرد و جای خالی پدری که رهایشان کرده است دلش را به درد می آورد. تابستان ها خانه خشت و گلی شان مامنی می شود برای زیستن اما آنجا هم مار و عقرب ها پرسه می زنند و شب ها تا صبح مادر از بیم گزند نیش آنها بر بالین فرزندان بیدار می ماند.

مهناز هر روز داغی آفتاب را به جان می خرد تا شاید بتواند پول کتاب هایش را تهیه کند و دوباره وارد مدرسه شود، نگاهش به غروب خورشید گره می خورد وقتی پایان روزی رقم می خورد که هیچ پولی جمع نکرده است. دل کوچکش مانند پرنده در قفس می تپد وقتی از آرزوی پزشک شدنش می گوید که در عمق ناچاری او را مجبور به ترک تحصیل کرد.

خوشحال می شود وقتی وزش باد آب تالاب را به عقب می راند و او می تواند نمک بیشتری جمع کند اما او ناامید نیست از اوضاع و احوال زندگی اش، دلش می خواهد بیشتر بیاموزد و وقتی از حیات وحش استان سوال می کند و آموختن لحظه به لحظه گوشه ای از ذهن کنجکاوش قرار دارد. آنقدر اطراف تالاب قدم زده که حالا پرنده ها را می شناسد و می داند چه حیواناتی اطراف تالاب زندگی می کنند.

او این روزها از حضور جمعیت زیادی که برای دیدن مجسمه های دست ساخته هنرمندان به تالاب کجی نمکزار نهبندان آمده اند به وجد آمده است و دعا می کند همیشه اینجا شلوغ باشد.

معاون هنری وزارت ارشاد اسلامی:

دبیر خانه دایمی برای جشنواره مجسمه های تالاب کجی نمکزار نهبندان ایجاد شود

رنجبر- لازم است با توجه به برگزاری چند دوره جشنواره مجسمه های نمکی تالاب کجی نمکزار نهبندان، اساسنامه جشنواره تدوین و دبیرخانه دایمی آن در استان ایجاد شود.

معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین اختتامیه اولین جشنواره ملی مجسمه های تالاب کجی نمکزار نهبندان درخواست کرد تا برای این جشنواره اساسنامه تدوین و دبیرخانه دایمی در استان ایجاد شود. «مراد خانی» گفت: برگزاری در این مراسم اینگونه جشنواره ها به پرورش استعدادهای هنرمندان کمک بسیاری می کند.

وی با اشاره به اینکه در زمینه هنرهای تجسمی کارهای بیشتری باید انجام شود، تاکید کرد: در جشنواره ملی مجسمه های نمکی، هنرمندان زیادی از سراسر کشور و همچنین مردم منطقه حضور پیدا کردند که نیاز است در این زمینه توجه بیشتری شود و مردمی بودن این جشنواره بسیار مهم است.

بعلاوه استعدادهای خوبی در زمینه هنرهای تجسمی در منطقه تالاب کجی نمکزار وجود دارد و این استعدادها را باید پرورش داد. وی گفت: در آینده نزدیک شاهد حضور افراد مختلف در این زمینه خواهیم بود و برای انجام کارهای بهتر و بیشتر حمایت های لازم را انجام خواهیم داد. به علاوه این جشنواره برای اولین بار به صورت ملی برگزار شد بنابراین قول می دهم در آینده با کیفیت بهتری برگزار شود و مهمانان خارجی و افراد تاثیر گذار در حوزه هنرهای تجسمی حضور خواهند داشت.

خراسان جنوبی از صحت محتوای آگهی ها اطمینان حاصل کنید. کسب احراز هویت صاحبان آگهی با شماست.